



An Examination and Analysis of the Poofs for the Obligation to Obtain the Husband's Permission for a Wife's Recommended Pilgrimage (Hajj Mustahabb)

Sakineh Rastegar Moqadam Ibrahimian¹ 

1. Corresponding Author, Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: rs.rastegar@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8 September 2025

Revised: 23 September 2025

Accepted: 30 September 2025

Available online 4 October 2025

Keywords:

a recommended pilgrimage

(Arabic: حج مستحبی hajj

mustahabbi), obtaining her

husband's permission,

husband's right to legal

enjoyment (Arabic: حق الاستمتاع

haqq al-istimtā'), the

prohibition of a woman's

leaving the house without her

husband's permission.



ABSTRACT

The goal of this note is to examine and analyze the proofs for the obligation of a wife's seeking her husband's permission for performing a recommended pilgrimage (Arabic: حج مستحبی hajj mustahabbi). The study is conducted a library-based research method in a descriptive-analytical method; by referring to the Islamic jurisprudential evidences, the necessary information has been collected and analysed. The findings express that several groups of proofs have been invoked in support of the obligation to obtain the husband's permission for a wife's recommended pilgrimage. Some Islamic narrations and general Qur'ānic proofs, such as the verse in Sura al-Baqarah (2:223) and the verse in Sura an-Nisā' (4:34), emphasize the necessity of respecting the husband's right to the legal enjoyment (Arabic: حق الاستمتاع haqq al-istimtā'). Therefore, if an act such as the wife's recommended pilgrimage conflicts with that right, it is prohibited. General narrational evidences point to the necessity of observing the husband's right of enjoyment and indicate the non-entitlement to maintenance (Arabic: نفقة nafaqah) for a woman who leaves the house without her husband's permission. The study and analysis of particular and general proofs led the researcher to the conclusion that the particular proofs (the narrations) seem that they are insufficient to prove the requirement of the husband's permission for this recommended pilgrimage because of weaknesses in their chains or problems in their meaning (hadiths meaning). The general proofs that indicate the prohibition of a woman's leaving the house is not absolute; rather, only departure in a state of estrangement or departure with no intention of return is forbidden and prohibited. In the case of a recommended pilgrimage, where neither a state of estrangement nor an intention of permanent departure exists, one cannot assert the prohibition of the wife's departure.

Cite this article: Rastegar Moqadam Ibrahimian, S. (2024). An Examination and Analysis of the Poofs for the Obligation to Obtain the Husband's Permission for a Wife's Recommended Pilgrimage (Hajj Mustahabb). *Jurisprudence of worship Doctrines*, 5(9), 59-80. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7450.1241>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



بررسی و تحلیل ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه

سکینه رستگارمقدم ابراهیمیان^۱ 

۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: rs.rastegar@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ کلیدواژه‌ها: حج مستحبی، استیذان، حق استمتاع، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر. 	هدف از این پژوهش آن است که ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه را بررسی و تحلیل کند. این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی، تحلیلی انجام شده و با مراجعه به ادله فقهی، اطلاعات لازم به دست آمده و تجزیه و تحلیل گردیده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که چند گروه از ادله بر لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه مورد استناد قرار گرفته‌اند. برخی روایات و ادله عام قرآنی مانند آیه (بقره/۲۲۳) و آیه (نساء/۳۴) بر لزوم رعایت حق استمتاع زوج تأکید دارند و لذا اگر رفتاری مانند حج مستحبی زوجه در تعارض با آن باشد، منهی عنه است. ادله روایی عامی نیز بر لزوم توجه به حق استمتاع زوج دلالت دارند و از عدم تعلق نفقه به زنی که بدون اجازه همسرش از منزل خارج شده است، سخن می‌گویند. بررسی و تحلیل ادله خاص و عام، پژوهشگر را به این مهم رهنمون کرد که ادله خاص (روایات) برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه به علت ضعف سندی یا اشکال دلالی ناکافی به نظر می‌رسد. ادله عام که بر حرمت خروج زن از منزل دلالت می‌کند، به نحو «اطلاق» نیست؛ بلکه تنها خروج «فهرگونه» و «خروج بی بازگشت» حرام و ممنوع است و در حج مستحبی که نه «حالت قهر» وجود دارد و نه «قصد عدم بازگشت»، نمی‌توان حرمت خروج زوجه را قائل شد.

استناد: رستگارمقدم ابراهیمیان، سکینه. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه. آموزه‌های فقه عبادی، ۵(۹)، ۵۹-۸۰. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7450.1241>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

انجام اعمال عبادی به خصوص فریضه انسان ساز و روحانی «حج»، همواره مورد تأکید دین مبین اسلام و مورد توجه عموم مسلمانان و مشتاقان بیت الله بوده و هست. در خصوص انجام فریضه حج توسط بانوان، در حجة الاسلام مشهور میان فقیهان، عدم لزوم استیذان است؛ لکن در حج مستحبی اختلاف نظرهایی میان فقیهان وجود دارد. حج مستحبی حجبی است که هیچ دلیل ذاتی یا عارضی برای وجوب آن نباشد. با توجه به عبادی بودن حج، اصل اولی آن مستحب بودن است. صاحب جواهر بعد از بیان اسباب وجوب حج (وجوب به اصل شرع که از آن با حجة الاسلام یاد می شود و وجوب به سبب نذر، استیجار و...) می گوید: «حجی که این عناوین وجوب بر آن صادق نباشد، اگر مصداق کار حرام یا مصداق کراهت نباشد، متصف به استحباب است» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۲۱۹).

با توجه به این که حج مستحبی نیز از جمله مسائلی است که به صورت موقت زوجه را از زوج دور می نماید و خود نیز مصداقی از خروج زوجه از منزل محسوب می شود، لذا حق استمتاع زوج در کانون توجه قرار می گیرد که چنین عمل عبادی با حق مسلم زوج در تعارض و تنافی قرار نگیرد. از آنجاکه تاکنون بررسی ادله مسئله در پژوهشی مستقل انجام نیافته است، لذا لازم و ضروری است تا ادله مسئله در قالب استنباطی-اجتهادی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: «ادله لزوم استیذان از زوج در حج مستحبی زوجه چیست و چه دلالتی دارند؟» برای پاسخ به این پرسش، ادله روایی و دیدگاه فقیهان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نهایت دیدگاه برگزیده تبیین می گردد.

۱. روایات خاص

لزوم کسب اجازه از سوی زن برای انجام حج مستحبی و نهی از انجام حج بدون اذن شوهر تنها در تعداد محدودی از روایات ذکر شده است. ممکن است علت کم تعداد بودن این روایات به این مسئله بازگردد که در زمان صدور آن ها، امکان ادای حج مستحبی بدون کسب اجازه شوهر به سادگی وجود نداشته است. به عبارتی،

این حکم رایج و فراگیر نبوده و از همین رو، معصومان درباره آن کمتر مورد پرسش قرار گرفته‌اند. با این حال، این موضوع در برخی روایات مورد اشاره قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق‌تر است. روایاتی که به بیان این مسئله پرداخته‌اند به شرح زیر است:

۱-۱. روایت جابر بن یزید جعفری

«محمد بن علی بن الحسین فی الخصال عن أحمد بن الحسن القطان عن حسن بن علی العسکری عن محمد بن زکریا البصری عن جعفر بن محمد بن عماره عن أبيه عن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر يقول: ... «ولا يجوز ان تحج تطوعاً الا باذن زوجها.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۲). جابر بن یزید جعفری می‌گوید از امام باقر (ع) شنیدم که آن حضرت می‌فرمایند: «جایز نیست زن بدون اذن شوهر حج استحبابی به جا آورد.»

۱-۱-۱. بررسی و تحلیل روایت

این روایت از نظر سندی به خاطر وجود ابن عماره و پدر وی که وضعیت آن‌ها برای رجالیون ناشناخته است، محل اشکال است. همچنین در خصوص جابر بن یزید جعفری نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد (خویی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۸) که در نتیجه، برخی فقیهان مانند علامه حلی در توثیق این روایت توقف کرده (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۳۶) و رأی به توثیق آن نداده‌اند. البته از نظر دلالی، این روایت به صورت صریح و با ادبیات «لایجوز» که صریح در نهی است، از ادای حج مستحبی زوجه بدون اذن زوج نهی می‌کند؛ لکن به علت ضعف سندی، نمی‌توان به این روایت برای استنباط حکم شرعی بسنده کرد.

۲-۱. روایت اول معاویه بن عمار

«محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم عن صفوان عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله قال: لا تحج المطلقة في عدتها.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۵۹). معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «زن مطلقه در عده‌اش حج انجام ندهد.»

۱-۲-۱. بررسی و تحلیل روایت

از نظر سندی، این روایت نه تنها هیچ مشکلی ندارد؛ بلکه همه راویان آن ثقة، امامی و از اجلاء هستند. از نظر دلالتی نیز این روایت از ادای حج زوجه بدون اذن زوج در ایام عده نهی صریح کرده است و با توجه به این که از صیغه مضارع استفاده کرده است، آکد در نهی است. با این توضیح که مطلقه رجعیه، زوجه محسوب می شود و زوجه طبق ادله خاص برای خروج از منزل نیاز به اذن شوهر دارد و لذا حج مستحبی که مستلزم خروج است، باید با اذن زوج باشد و به همین خاطر امام (ع) از خروج مطلقه رجعیه در عده برای حج مستحبی نهی کرده است.

۱-۳-۱. روایت دوم معاویه بن عمار

«حمید بن زیاد عن ابن سماعة عن محمد بن زياد عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله: قال: سمعته يقول: المطلقه تحج في عديتها إن طابت نفس زوجها». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۹۱). از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمایند: «مطلقه در مدت زمان عده در صورت رضایت شوهرش می تواند به حج رود».

۱-۳-۱. بررسی و تحلیل روایت

این روایت از نظر سندی مشکلی ندارد و همگی راویان آن مورد وثوق هستند. فقط در خصوص حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعة مباحثی بین رجالین وجود دارد؛ لکن علی رغم واقفی بودن آنها، از سوی اصحاب رجال توثیق شده اند (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۹ و ۲۱۲). بنابراین، خبر مذکور در عداد روایت موثقه قرار دارد و از حیث سندی قابل اعتماد است. از نظر دلالتی نیز این روایت بیانگر جواز ادای حج توسط مطلقه، البته مشروط به اذن زوج وی می باشد. چرا که امام (ع) به صراحت انجام حج توسط مطلقه رجعیه را مشروط به «إن طابت نفس زوجها» (رضایت شوهر) کرده اند. بنابراین، اگر وی راضی نباشد و اذن برای حج ندهد، مطلقه رجعیه که حکم زوجه را دارد، نمی تواند به حج مستحبی برود.

۱-۴-۱. روایت محمد بن مسلم

«الحسين بن سعيد عن صفوان بن يحيى عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أحدهما (ع)

قال: المطلقة تحج في عدتها.» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۷). «زن مطلقه در عده‌اش می‌تواند حج انجام دهد».

۱-۴-۱. بررسی و تحلیل روایت

از نظر سندی، این روایت نیز جزء روایات صحیحه است و راویان آن همگی امامی و جلیل‌القدر هستند. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت این روایت در خصوص لزوم یا عدم لزوم اذن زوج برای زوجه در حج سکوت کرده است و صرفاً بیانگر جواز انجام حج توسط زن مطلقه در ایام عده است. بنابراین، به صرف این روایت نمی‌توان در محل بحث استناد کرد مگر این‌که شاهد روایی دیگری این اطلاق را توضیح و تقیید نماید.

۵-۱. روایت اسحاق بن عمار

«محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم عن ابن جبلة عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن (ع) قال سألته عن المرأة الموسرة قد حجت حجة الاسلام تقول لزوجها: أحجني من مالي، أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: نعم، ويقول لها: حقي عليك أعظم من حقي على في هذا.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۵۶). اسحاق بن عمار نقل می‌کند از امام کاظم (ع) پرسیدم: «زن ثروتمندی که حج واجب را به جا آورده، از شوهرش می‌خواهد او را از مال خودش به حج برد، آیا شوهر می‌تواند زن را منع کند؟» فرمود: «آری، شوهر به زن می‌گوید: حق من بر تو از حق تو بر من در این باره عظیم‌تر است.»

۱-۵-۱. بررسی و تحلیل روایت

از نظر سندی، این روایت از شیخ طوسی و ایشان از مشایخ خود تا موسی بن قاسم و ایشان نیز از ابن جبلة و ابن جبلة نیز از اسحاق بن عمار است که این طریق مورد توثیق قرار گرفته است. چرا که هرچند «عبدالله بن جبلة» واقفی مذهب بوده است؛ لکن در راست‌گویی وی تردیدی نشده است و فقیه بزرگی هم چون علامه حلی وی را توثیق کرده است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۷). اما در خصوص دلالت حدیث باید توجه کرد موضوع پرسش راوی در این حدیث، در خصوص زنی است که از شوهرش می‌خواهد وی را با مال خودش به حج ببرد، که امام (ع) در پاسخ چنین امری را بر

زوج لازم نمی دانند. بنابراین، موضوع حدیث با موضوع محل بحث متفاوت است؛ چرا که فرض سؤال در جایی است که زنی تقاضای انجام حج از مال شوهر دارد؛ لکن در خصوص اذن یا عدم اذن شوهر سخنی به میان نیامده است. هم چنین این روایت در خصوص فردی خاص است و به اصطلاح «قضیه فی واقعه» است و قابل سرایت به عموم زنان و استنباط حکم کلی ندارد.

۱-۵-۲. جمع بندی روایات

آنچه که از مجموع پنج روایت پیش گفته حاصل می شود این است در خصوص زن مطلقه که در عده می باشد، انجام حج متوقف و مشروط بر اذن زوج است؛ لکن این حکم در خصوص زن مطلقه است و در خصوص غیر مطلقه روایات دلالتی ندارند. هر چند برخی فقیهان با این استدلال که مطلقه رجعی، زوجه محسوب می شود و لذا اذن زوج برای زوجه - چه مطلقه باشد چه غیر مطلقه - لازم و ضروری است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۸)؛ لکن به نظر این استدلال صحیح نیست؛ زیرا با توجه به ماهیت عده و فلسفه عده در طلاق رجعی که شارع مقدس این مدت را برای آن گذاشته است که اگر زوجین از طلاق سابق پشیمان شدند راهی برای بازگشت به زندگی مشترک داشته باشند، لذا بودن زن در منزل موضوعیت دارد و لذا وضعیت مطلقه رجعیه وضعیت خاص و انحصاری است و نمی توان آن را به تمام زنان سرایت داد. و در خصوص اسحاق بن عمار، فرض سؤال در جایی است که زنی تقاضای انجام حج از مال شوهر دارد؛ لکن در خصوص اذن یا عدم اذن شوهر سخنی به میان نیامده است. هم چنین این روایت در خصوص فردی خاص است و به اصطلاح «قضیه فی واقعه» است و قابل سرایت به عموم زنان و استنباط حکم کلی ندارد.

۲. دیدگاه فقیهان

۱-۲. لزوم اذن زوج

گروهی از فقیهان بر این باورند که زوجه جهت انجام حج مستحبی باید از زوج خود اجازه بگیرد و صحت حج او منوط به کسب رضایت و اذن زوج او است (موسوی

عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۹۵؛ مؤمن سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴؛ شهید اول، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۰؛ یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۳؛ آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۵۴؛ خویی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۹. برخی فقیهان نیز ادعای عدم الخلاف در لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۸۸؛ نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۳۳۳).

۲-۲. امکان منع و عدم لزوم اذن

برخی فقیهان مستند به روایت اسحاق بن عمار که آمده است: «أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: نعم» این گونه استدلال کرده‌اند که طبق این روایت زوج حق منع از حج مستحبی را دارد؛ لکن اذن گرفتن از زوج لازم نیست. به عبارت دیگر اگر زوج منع از حج مستحبی زوجه کرد، زن نباید به حج برود؛ لکن اگر منعی نکرد، اجازه گرفتن از وی لازم نیست (ر.ک: موسوی عاملی، ج ۷، ص ۹۱؛ محقق نراقی، ج ۱۱، ص ۹۲؛ مرتضوی، درس خارج فقه، ۱۵/ ۱۱/ ۱۳۸۷). و «منع» اعم از «اذن» است، و این روایت فقط دلالت بر این مطلب دارد که زوج حق «منع» کردن دارد ولی دلالت بر این که «اذن» شرط است، ندارد.

۲-۳. جمع بندی دیدگاه فقیهان

به نظر می‌رسد با توجه به عبارت برخی فقیهان که گفته‌اند: «و اما الخروج من البيت لغير حجه الاسلام فيعتبر فيه الاذن» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۸) منشأ و دلیل فتوای فقیهان به لزوم اذن زوج برای حج مستحبی زوجه، عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و هم چنین تنافی خروج زوجه با حق استمتاع زوج است. از این رو برخی فقیهان تصریح کرده‌اند دلیل لزوم اذن زوج برای زوجه در حج مستحبی، حرمت خروج زن از منزل بدون اذن زوج است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶). مرحوم میرزا جواد تبریزی از مراجع معاصر نیز مسئله لزوم استیذان زوجه از زوج را به خاطر تنافی با حق استمتاع زوج دانسته و معتقدند: اگر با حق استمتاع زوج منافاتی ندارد، اشکالی ندارد (تبریزی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۰). برخی فقیهان نیز عدم استیذان را باعث ارتکاب حرام دانسته و لکن حج مستحبی زوجه بدون استیذان را صحیح دانسته‌اند (مکرم شایری، استفتانات: ...)

عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را مورد بازخوانی قرار داد. این مهم در قالب «ادله عام» مورد بررسی و تحلیل قرار داده می شود.

۳. ادله عام

در مسئله مورد بحث، روایات و ادله عام وجود دارد که خروج زوجه از منزل را متوقف بر اذن زوج می داند و از آنجا که لازمه ادای حج مستحبی، خروج از منزل است، لذا این ادله نیز می تواند به عنوان دلیل عام در مسئله مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۳. آیه ۲۲۳ سوره بقره

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿يَسْأَلُكُمْ خِزْيٌ لَكُمْ فَأَتُوا خَرْجَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدْ مَوَّاهُ لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/ ۲۲۳). زنان شما کشتزار شمايند، هر زمان و هر کجا که خواستيد به کشتزار خود در آييد. و [با رعايت حقوق يکديگر، و حفظ عفت و پاکی، در سايه زناشویی و توليد نسلي پاک و شايسته و صالح، خير و ثوابی] برای خودتان پيش فرستيد، و از خدا پروا کنید، و بدانيد که او را ملاقات خواهيد کرد، و مؤمنان را بشارت ده.

آنچه که مهم است بررسی واژه «أَنَّى» است. اين واژه، در برخی موارد به معنای مکان يا کيفيت و گاه به معنای زمان استفاده شده است. ابن منظور در کتاب «لسان العرب» درباره واژه «أَنَّى» توضيح داده است که اين واژه به معنای «أَيْنَ» (کجا) می آيد؛ مانند عبارتی که می گوید: «أَنَّى لَكَ هَذَا»، يعنی «از کجا برای تو آمده». هم چنين، اين واژه گاه به معنای «کيف» (چگونه) نیز به کار می رود؛ مانند جمله ای که می گوید: «أَنَّى لَكَ أَنْ تَفْتَحَ الْحِصْنَ»، يعنی «کيف لَكَ ذلک: چگونه برای تو ممکن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۳۸).

در «مفردات راغب» نیز آمده است که «أَنَّى» برای جست وجو از حالت و مکان به

۱. پرسش: اگر زنی بدون اجازه شوهر به حج يا عمره مستحبی برود، آیا فقط گناه کرده، يا اعمالش نیز باطل است؟ و آیا چنين زنی حق دارد مُحَرَّم شود، يا بايد بازگردد؟
پاسخ: چنين زنی مرتکب گناه شده و بايد به وطن بازگردد، ولی اگر محرم شود و حج يا عمره بجا آورد، حج و عمره اش صحيح است. (مکارم شیرازی، ناصر در:

کار می‌رود و بر همین اساس، معناهای «چگونه» و «کجاست» را در بر می‌گیرد؛ زیرا هر دو معنا را پوشش می‌دهد. نمونه قرآنی این کاربرد را می‌توان در آیه‌ای از سوره آل عمران مشاهده کرد: «... اُنّی لَکَ هَذَا»، یعنی «از کجا یا چگونه برای تو حاصل شده» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۶). این معنا توسط راغب اصفهانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «عبارت "اُنّی" در زبان عربی به عنوان اسمای شرط مورد استفاده قرار می‌گیرد و معمولاً در موارد زمان یا مکان به کار می‌رود. گاه این واژه می‌تواند به معنای زمان یا مکان اطلاق شود، همان‌گونه که در آیه شریفه آمده است: ﴿قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (آل عمران/۳۷). اگر "اُنّی" در این آیه به معنای مکان باشد، مفهوم آن "از هر جایی که بخواهید" خواهد بود، و اگر به معنای زمان مورد استفاده قرار گیرد، مفهوم آن "در هر زمانی که بخواهید" است. در هر حالت، این واژه دارای اطلاق است، و به‌ویژه زمانی که با واژه "شئتم" همراه باشد، این اطلاق تقویت می‌شود. این اطلاق باعث می‌شود که فعل امر در کلام خداوند متعال در بخش ﴿فَأْتُوا حَرَّتْکُمْ﴾ الزام‌آور نباشد و دلالت بر وجوب ننماید؛ چرا که ارجاع امر به اختیار مکلف، مفهوم وجوب را از آن سلب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱۳).

بنابراین، فارغ از این که "اُنّی" به معنای مکان باشد یا زمان یا هر دوی آن‌ها، نکته اساسی وجود اطلاق معنا در این واژه است. هم‌چنین در آیه شریفه، منتفع شدن زوج از زوجه وابسته به اراده عملی زوج است؛ بدین معنا که هر زمان و هر مکانی که زوج قصد واقعی برای بهره‌گیری از زوجه داشته باشد، این امر شرعاً برای او مجاز است، مگر این که زمان یا مکانی خاص وجود داشته باشد که شارع از آن نهی کرده باشد مانند مقاربت در ایام حیض یا در مکان مقدس مثل مسجد.

به بیان دیگر، آیه شریفه تأکید می‌کند که ملاک اصلی در بهره‌برداری از حق استمتاع، اراده زوج است؛ اراده‌ای که می‌تواند در هر زمان یا مکان به فعلیت برسد و هیچ جنبه تعبدی در این مسئله وجود ندارد. بنابراین، اگر زوج در زمانی معین اراده فعلی برای بهره‌مندی از زوجه نداشته باشد یا امکان تحقق اراده برای او فراهم نباشد، بر زوجه ولایتی نخواهد داشت و وظیفه‌ای مبنی بر تمکین بر عهده زوجه

نخواهد بود. به همین دلیل، در چنین شرایطی زوجه آزادی انجام فعلی را دارد که با وظیفه تمکین ارتباطی ندارد و نیازی به گرفتن اجازه از زوج نیست. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می نویسد: «این آیه درباره عقیده های ناصحیح که یهود درباره کیفیت آمیزش و اثر آن داشتند نازل شد و حلیت آمیزش را در صورت های مختلف بیان نمود پس از آن که خداوند احوال زنان در حال عادی و عادت بیان نموده، به دنبال آن می فرماید: ﴿يَسْأَلُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ...﴾ در معنای این جمله سه قول است: ۱- زنان کشت زار شمایند (ابن عباس و سدی) ۲- زنان صاحب کشت اند برای شما که فرزند و لذت از آنان به دست می آورید (زجاج) ۳- زنان مانند کشت اند برای شما. (فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتَى شَيْئُكُمْ...) درآیید به کشت خود از هر جا و یا به هر کیفیت که خواستید. مالک به این آیه استدلال کرده است بر جواز آمیزش از غیر راه طبیعی با زنان در حال حیض و نافع از ابن عمر و زید بن اسلم از محمد بن مُنْكَدِر و به همین مطلب نقل کرده است ولی بسیاری از فقها با این مطلب مخالفت کرده و گفته اند قرآن تعبیر به «حرث» (کشت) کرده پس باید آمیزش به طور عادی باشد که سبب نسل گردد و به آن «حرث» گفته شده. (وَقَدْ مُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ...) برای خویش اعمال صالحه ای که مأمور به آن ها ترغیب شده اید پیش فرستید تا این که ذخیره ای برای شما باشد و به سبب ترک تجاوز از حدودی که برای شما بیان شده است از خدا بترس» (طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۸۸-۸۹).

جصاص نیز در کتاب أحكام القرآن پس از بررسی اقوال می نویسد: «وظاهر الكتاب يدل على أن الإباحة مقصورة على الوطء في الفرج الذي هو موضع الحرث، وهو الذي يكون منه الولد» (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۷) و لذا وی معتقد است فقط وطی از فرج مباح است.

البته آیه نیز دلالت دارد بر این که زوجه موظف است در هر زمان یا مکانی که امکان تحقق اراده زوج برای بهره مندی وجود دارد، حاضر و در دسترس باشد تا بتواند به زوج تمکین کند. بنابراین، اگر زوج در مکانی حضور داشته باشد که شرایط تحقق اراده تَمَتُّع موجود باشد، زوجه نیز موظف است در همان محل حضور یابد، حتی اگر زوج در آن لحظه اراده فعلی برای تَمَتُّع نداشته باشد. زیرا نبود زوجه در

چنین مکانی امکان تحقق اراده زوج را عملاً از بین می‌برد. به بیان دیگر، در این فرض، زوجه عامل عدم تحقق اراده زوج محسوب می‌شود. نتیجه این که در مسئله مورد بحث اگر زوج اراده تمّتع از زوجه را نداشته باشد و با موانعی مانند بیماری که امکان تمّتع از زوجه را از او سلب کرده، یا مفارقت روحی و عدم تمایل او به زوجه خود که در مدت مُعْتَنَابِهی آن را نمایان کرده است، در این صورت مسئله با چالش روبرو می‌شود. به بیان دیگر وقتی زوج مطالبه حق استمتاع خود از زوجه را ندارد، زوجه نیز تکلیفی ندارد؛ بلکه استمتاع و بهره‌وری جنسی باید از سوی زوج باشد و اگر او نخواهد زوجه نمی‌تواند خود را بر او تحمیل کند. بنابراین، آنچه که تکلیف زوجه است آن است که مانعی برای استمتاع زوج از خود ایجاد ننماید؛ لکن اگر زوج استتماعی نخواهد، زوجه تکلیفی ندارد.

۲-۳. آیه ۳۴ سوره نساء

دومین آیه‌ای که در محل بحث می‌تواند مورد استشهاد قرار گیرد، آیه ۳۴ سوره نساء است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاللّٰتِیْ تَخَافُوْنَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَاِنْ اَطَعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيْلًا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا کَبِيْرًا﴾؛ و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه‌ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجوید؛ یقیناً خدا بلندمرتبه و بزرگ است.

در این آیه، امر به موعظه، جدایی و حتی ضرب (البته در معنای خاص خود با این توضیح که در قرآن کریم هرگاه ضرب به طور مطلق و بدون حرف اضافه «ب» آمده باشد، به معنای زدن نیست) (روشن، ۱۳۹۳، ص ۲۴؛ ابوعطا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱-۱۳) مرتبط با حالتی است که خوف نشوز زوجه وجود داشته باشد. به وضوح مشخص است که تحقق نشوز تنها در شرایطی ممکن است که زوج بخواهد حق استمتاع خود را اعمال نماید و از زوجه استمتاع جنسی بخواهد؛ لکن زوجه ممانعت کند. لکن اگر زوج هیچ مطالبه برای حق استمتاع خود ننماید، نشوز زوجه نیز بی‌معناست.

بررسی دقیق و تأمل در روایات نیز می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که اراده بالفعل زوج برای استمتاع در این موضوع معیار اصلی است؛ به عنوان مثال در این زمینه، می‌توان به روایت صحیح محمد بن مسلم اشاره کرد. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت (ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود (بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷).

بر اساس کلام حضرت، زوجه ملزم به رعایت حق استمتاع زوج است، مشروط بر این که امکان تحقق اراده زوج در این حق وجود داشته باشد. از این رو، تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال سازی اراده خود را دارد، واجب دانسته شده است. بنابراین ملاک اصلی در این امر، فعلیت اراده زوج است؛ زیرا بدون اراده یا امکان تحقق آن، مسئله معنایی نخواهد داشت.

بنابراین شارع مقدس، حق استمتاع زوج را بر اساس فعلیت و تحقق اراده او بنا نهاده است. لذا زوجه موظف است در هر زمان و مکانی که زوج این اراده را داشته باشد، تمکین کند. این امر در افعالی مانند حج مستحبی نیز جریان دارد و لذا استیذان از زوج برای انجام حج مستحبی لازم و ضروری است.

۳-۳. روایت سکونی

چهارمین دلیل برای لزوم اذن زوج برای خروج زوجه از منزل، روایات نهی از روزه مستحبی است. این روایات به طور صریح بیان می‌دارند که زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر خود، روزه مستحبی بگیرد. این روایات به طور کلی بر اولویت حق زوج بر اعمال مستحبی دلالت دارند و دربرگیرنده حج مستحبی نیز خواهند بود. روایت به شرح زیر است: «علی بن محمد بن بندار، عن ابراهیم بن إسحاق الأحمَر، عن جعفر بن محمد الکوفی، عن إسحاق بن سلیمان، عن محمد بن أبی سارة، عن أبی عبیده، عن أبی جعفر الباقِر (ع) قال: لَا یَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ رَوْجِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۴۲۴). امام باقر (ع) فرمود: «برای زن جایز نیست که بدون اجازه شوهرش روزه مستحبی بگیرد».

این روایت از حیث سندی مورد اشکال رجالیون است و قابل اعتماد نیست؛ چراکه در سند آن «ابراهیم بن إسحاق الأحمَر» و «جعفر بن محمد الکوفی» و «محمد بن ابی ساره» وجود دارد که تمامی آن‌ها مجهول هستند. لکن از نظر دلالتی این روایت به صراحت بیانگر لزوم استیذان است.

در تأیید روایت پیش گفته، روایت دیگری نیز وجود دارد که آن هم دلالت بر لزوم اذن زوج برای روزه مستحبی زوجه می‌نماید. «عَلَى بَنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ فَلَا تَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۴۲۴). امام صادق (ع) از آباء طاهرینش نقل کرد که رسول الله (ص) فرمود: «هر کس همسری دارد، زنش بدون اجازه او نباید روزه مستحبی بگیرد».

این روایت از حیث سندی موثق است و مورد اعتماد است. لکن از نظر دلالتی باید توجه داشت این روایت در خصوص روزه است نه حج. قیاس کردن روزه به حج جایز نیست؛ چراکه روزه مستحبی منافاتی با حق استمتاع زوج ندارد و با این وجود شارع امر به اذن زوج برای روزه مستحبی کرده است؛ لکن حج مستحبی با حق استمتاع زوج منافات و تعارض مستقیم دارد و لذا ممکن است این روایت در خصوص روزه مستحبی در مواردی خاص باشد و قابل تعمیم به حج مستحبی نباشد.

۳-۴. ادله حرمت خروج زوجه از منزل

یکی دیگر از ادله عامی که در محل بحث مورد استناد قرار گرفته است، ادله حرمت خروج زوجه از منزل است. برخی فقیهان نظر به اطلاق حرمت خروج زن از منزل بدون اذن همسر دارند حتی اگر با حق استمتاع شوهر نیز منافاتی نداشته باشد (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۶۳). مهم‌ترین دلیل این فقیهان «اجماع» یا «عدم الخلاف» است که با توجه به این‌که مستند مسئله «روایات» است، این اجماع مُدرکی و فاقد حجیت است.

در خصوص روایت گذشته از روایات ضعیف (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴۰)، دو دسته روایات وجود دارد. دسته اول مانند صحیح محمد بن مسلم است. محمد بن

مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند ایشان فرمود: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید حق زوج بر زنش چیست؟ حضرت (ص) فرمود: او را اطاعت کند و از او نافرمانی نکند... و نفس خود (بدن خود) را از او دریغ نکند حتی اگر بر پشت شتر سوار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷). لکن در این روایت، معصوم (ع) به وظایف الزام‌آور زن در قبال شوهر پرداخته‌اند و تمام پنج مورد ذکر شده در این زمینه قرار دارند. ایراد اصلی استنباط از دلالت این روایت آن است که پیامبر (ص) در این جا قصد بیان جزئیات این حق را نداشته‌اند. یکی از شواهد این امر آن است که اطاعت از شوهر نیز در این روایت به عنوان یکی از حقوق واجب مطرح شده است، در حالی که می‌دانیم اطاعت از شوهر یک حق مستقل یا مطلق برای او محسوب نمی‌شود؛ بلکه آنچه در ادله آمده است مجموعه‌ای از حقوق برای زوج است و اطاعت از شوهر به عنوان یک حق جداگانه مطرح نشده است. بنابراین، اگرچه این روایت می‌تواند به حق مستقل شوهر در موضوع خروج زن از منزل اشاره داشته باشد، اما نمی‌توان اطلاق آن را از متن روایت استنباط کرد.

دسته دوم روایت سکونی است که پیش‌تر در خصوص دلالت آن اشکال گردید که در خصوص عدم تعلق نفقه است و اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نباشد. این نوع حکم نیازمند بیان صریح، مستقل و جداگانه است.

لکن برخی دیگر از فقیهان تنها خروج منافی با حق استمتاع شوهر را مقید به اذن شوهر کرده‌اند. این گروه از فقیهان لزوم استیذان از زوج برای خروج از منزل را حق مستقلی نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۱۰۰). محقق حلی نیز از خروج زن از منزل سخنی نگفته و فقط مسافرت بدون اذن شوهر را منع کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۲) که این سخن نشانگر آن است که وی تنها خروجی را که با حق استمتاع شوهر منافی است، حرام می‌داند.

دیدگاه برخی از فقیهان معاصر بر «منع خروج بدون مصلحت» است (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۳۵). در دین اسلام، اصل بر این است که تمام اعمال انسان جایز و مباح باشند. از سوی دیگر، بر اساس قاعده سلطنت (الناس مسلطون علی اموالهم و الناس مسلطون علی ما لهم)، هر فرد اختیار کامل بر نفس خود دارد؛ موضوعی که از

مضمون این قاعده نیز برداشت می‌شود. اسلام، انسان را موجودی آزاد و مختار می‌داند که اگر از چارچوب‌های شریعت خارج نشود، بر تمام شئون خود تسلط دارد و هیچ‌کس حق ایجاد محدودیت برای او را ندارد، مگر این‌که دین به‌طور مشخص چنین محدودیتی را برای او مقرر کرده باشد. بر همین اساس، محدود کردن زن در انجام برخی امور، مانند خروج از منزل، تنها زمانی قابل قبول است که دلیل شرعی معتبر برای آن وجود داشته باشد. البته همان‌طور که اشاره شد، دلایل شرعی در این زمینه وجود دارد، اما نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، اگرچه دربارهٔ حدود دلالت این دلایل اختلافاتی مطرح است.

آن‌چنان که بیان شد، اصلی‌ترین استناد طرفداران نظر اول به روایاتی است که الزام به کسب اجازهٔ زن برای خروج از منزل را مطرح می‌کنند. یکی از نقاط ضعف این روایات، کمبود تعداد آن‌ها نسبت به گستردگی و عمومیت این مسئله در جامعهٔ آن زمان است. شیوهٔ برخورد شارع مقدس و اهل بیت با موارد ناپسند رایج در اجتماع، این‌گونه بود که هنگامی که می‌خواستند مردم را از انجام آن بازدارند، به اندازهٔ گستردگی و شیوع آن مسئله، نهی خود را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، با بیان‌های متنوع تکرار و بر اهمیت آن تأکید می‌کردند. این نوع مواجهه باعث می‌شد بازدارندگی لازم حاصل شود. نمونه‌هایی مانند برخورد با پدیده‌های انحرافی نظیر قیاس، رباخواری، میگساری و توصیه‌های مکرر به تقیه شاهد چنین رفتارهای تأکیدی هستند.

در مورد خروج زنان از منزل نیز، مسئله وقتی مطرح می‌شود که خروج‌های کوتاه‌مدت، مانند دیدار با همسایگان و بستگان، تا سفرهای بلندمدت را شامل شود. به‌ویژه در جامعه‌ای که بسیاری از مشاغل مانند تجارت، شبانی و جنگ نیازمند سفرهای طولانی بودند، این موضوع اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. با توجه به این‌که چنین شرایطی بخش قابل توجهی از زنان جامعهٔ آن دوران را تحت تأثیر قرار داده بود، پرسش‌های بسیاری در این زمینه مطرح بود و مبتنان شریعت می‌بایست با دقت و شفافیت به آن‌ها پاسخ دهند. شریعت هدف خود را از طریق روایات متعدد بیان کرده است. کم بودن قابل توجه تعداد روایات و نبود چنین پرسش‌ها و

پاسخ‌هایی در میان احادیث می‌تواند نشان دهد که پیروان ائمه برداشت متفاوتی از مفهوم «خروج» در تعالیم ایشان داشته‌اند. یا این‌که از «خروج»، همان خروج بی‌بازگشت و بلندمدت را فهمیده‌اند یا تنها یک توصیف اخلاقی، بدون التزام فقهی، از سخنان آنان برداشت کرده‌اند (ر.ک: علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۳۵). بنابراین نمی‌توان به صورت مطلق هر خروجی را حرام تلقی کرد؛ بلکه تنها خروج «قهرگونه» و «خروج بی‌بازگشت» حرام و ممنوع است.

مضافاً بر این‌که این حق (لزوم استیذان زوجه از زوج برای خروج از منزل) باید به گونه‌ای تفسیر شود که در مقابل آیاتی که محوریت مصالح خانواده را مورد توجه قرار داده است دچار تعارض نشوند. توضیح این‌که اگر مطلق خروج زن از منزل را متوقف بر استیذان از زوج بدانیم با آیاتی که مصالح خانواده را محور تصمیمات قرار داده است دچار تعارض می‌شود. احکام اسلامی، به ویژه احکام مربوط به معاملات و نکاح، با توجه به مصالح و مفساد اجتماعی تدوین شده‌اند و این اصول در متن آیات قرآن و روایات مختلف موجود است. هنگام بررسی حکم شرعی، ضروری است که به این موارد توجه ویژه شود؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است برخی از احکام در معرض ایراد تناقض یا سوء تفاهم قرار گیرند.

در این چارچوب، با آن‌که حق مستقلی برای مدیریت رفت و آمد زن پذیرفته می‌شود (نه حقی که لزوماً با حق استمتاع تطابق داشته باشد)، این حق نباید جنبه اطلاق پیدا کند. به عنوان مثال، شوهر نمی‌تواند صرفاً بر اساس لجبازی، انگیزه‌های شخصی خارج از منافع خانواده، یا دلایلی که با مصالح زن و خانواده هم‌سو نیستند، مانع خروج زن از خانه شود. تنها حق شخصی شوهر در این زمینه، حق استمتاع است که می‌تواند مانع از خروج زن شود.

این دیدگاه بر توجه به مصالح زن، زندگی زناشویی و کیان خانواده تأکید دارد و بحث خروج زن از منزل را در همین چارچوب محوری بررسی می‌کند. آیات مرتبط با این موضوع نیز جنبه روشنگری دارند و باید با دقت بیشتری نسبت به روایات مطلق موجود تحلیل شوند که در بیان اندیشه مختار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد آن‌گونه که برخی فقیهان مانند صاحب جواهر تصریح کرده‌اند، امکان منع زوج از برخی فعالیت‌های زوجه از جمله روزه و حج مستحبی، به ملاک مراعات حق استمتاع زوج است و تعبد خاصی وجود ندارد. صاحب جواهر به مسئله لزوم اذن شوهر برای روزه مستحبی پرداخته و اظهار می‌کند که اطاعت زن از شوهر در اموری که با استمتاع مرد منافات ندارد، واجب نیست. بر این اساس، روزه مستحبی زن صحیح تلقی می‌شود حتی اگر شوهر او مانع شود، مگر این که اجماع بر خلاف آن وجود داشته باشد. ایشان در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که در صورت عدم تنافی روزه مستحبی زن با حقوق شوهر، چنین روزه‌ای مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۱۳۱). محقق خویی نیز دلیل لزوم استیذان زوجه از زوج در حج مستحبی را حرمت خروج زن بدون اذن شوهر دانسته است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶)؛ لکن باید توجه داشت اطلاق این حق محل بحث و اشکال است. توضیح این که بر اساس آیات قرآن کریم معاشرت به معروف با همسر بر مردان واجب است. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: ﴿وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء/ ۱۹). و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. واژه «معروف» یکی از مهم‌ترین آیات قرآنی است که به عنوان معیاری برای بسیاری از رفتارها در قرآن مطرح شده است. مفهوم معاشرت به معنای اختلاط و ارتباط (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۴۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۰) است، که با مصاحبت و گفت‌وگوی مستمر همراه می‌شود. علاوه بر این، معنای آمیزش داشتن به همراه استمرار صحبت تأکید دارد و «معروف» به همین معنا بیان شده و پسندیده شده از روی عقل، شرع و عرف است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۴). این آیه شریفه تلاش دارد تغییر نگرش معرفتی و رفتاری جامعه نسبت به زنان را بیان کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه اشاره می‌کند که معنای معاشرت به معروف، نه تنها شامل روابط خانوادگی بلکه اصولی برای زندگی اجتماعی زنان نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۴). این نوع معاشرت باید بر پایه اخلاق عقلانی و حکمت باشد.

در دیدگاه فقها، موضوعاتی مانند نوع لباس، محل سکونت، و خدمات منزل بر

اساس قاعده معاشرت به معروف تعیین می‌شوند (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۹). هم چنین اگر مرد، زن خود را بدون دلیل موجه یا به دلایلی خارج از مصالح خانواده از خروج از منزل منع کند، چنین رفتاری مخالف این آیه خواهد بود و حق خروج زن در چنین شرایطی محدود نمی‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد اطلاق برخی روایات در این زمینه توسط این آیه تخصیص می‌خورد.

یکی دیگر از ادله قرآنی که باید مورد توجه قرار گیرد آیه ۲۲۸ از سوره بقره است. این آیه شریفه نیز نکات مهمی را درباره حقوق و مسئولیت‌های زنان و مردان مطرح می‌کند. جمله ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ بیانگر وجود حقوق متقابل میان زنان و مردان است، اما در ادامه با اشاره به ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ به اختلاف مسئولیت‌ها یا امتیازات میان آن‌ها پرداخته شده است که نیازمند تحلیل بیشتر است. مرحوم طبرسی این عبارت را جامع، پرمفعت، و شایسته تأمل عمیق دانسته است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۷۵). این آیه به وضوح به برقراری توازن میان حقوق (لَهُنَّ) و مسئولیت‌ها و تکالیف (عَلَيْهِنَّ) اشاره می‌کند. نکته قابل توجه در این آیه آن است که محور کلام بر حقوق زنان استوار شده و برای آن معیار «معروف» تعیین شده است. بنابراین، بحث‌های مرتبط با آیه پیشین، تعارض احتمالی و هم چنین نسبت آن با روایاتی که بر لزوم اجازه برای خروج زن از خانه تأکید دارند، در این جا نیز مطرح می‌باشد و اندیشه اطلاق انگاری را دچار اشکال می‌نماید. هم چنین با توجه به این که ادله خاص در خصوص لزوم استیذان زوجه از زوج بر انجام حج مستحبی دچار اشکالاتی می‌باشد، لذا نمی‌توان به صورت مطلق سخن از لزوم استیذان گفت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ادله لزوم اذن زوج در حج مستحبی زوجه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

ادله خاص (روایات) مرتبط با حکم حج مستحبی زنان، برای اثبات نیاز به اذن شوهر در انجام این فریضه ناکافی به نظر می‌رسد.

ادله عام در محل بحث نیز مانند آیه (بقره/۲۲۳) و آیه (نساء/۳۴) ملاک اصلی

در بهره‌برداری از حق استمتاع را اراده زوج دانسته است؛ بنابراین اندیشه اطلاق‌انگاری استیذان از زوج دچار محدودیت می‌گردد.

در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع)، تمکین زوجه در شرایطی که زوج امکان فعال‌سازی اراده خود را دارد، واجب دانسته شده است؛ بنابراین حق جدیدی برای زوج وضع نشده است و نمی‌توان از اندیشه اطلاق را مستند به این حدیث دفاع کرد.

در روایت سکونی فقط حکم وضعی سقوط نفقه برای زن بیان شده است؛ اما حکم تکلیفی حرمت خروج مطرح نیست؛ بنابراین نمی‌توان به صرف این روایت رأی به اندیشه اطلاق لزوم استیذان داد.

در حج مستحبی که نه «حالت قهر» وجود دارد و نه «قصد عدم بازگشت»، نمی‌توان حرمت خروج زوجه را قائل شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آملی، میرزا محمد تقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی. تهران: انتشارات مؤلف.
۲. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. ابوعطا، محمد؛ تبریزیان، حمید رضا؛ ذوالفقاری، سهیل. (۱۳۹۹ش). ضرب زوجه به وسیله زوج در آیه ۳۴ سوره نساء؛ از مفهوم تا اجرا. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲ (۲۲)، ۷-۳۴.
۴. اراکی، محمد علی. (۱۴۱۴ق). خیارات. قم: مؤسسه در راه حق.
۵. اشتهااردی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروه. تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر.
۶. اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۹ق). الاجاره. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۷. تبریزی، جواد. (بی تا). التهذیب فی مناسک العمرة و الحج. بی جا: بی نا.
۸. تبریزی، جواد. (بی تا). صراط النجاة. بی جا: بی نا.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: انتشارات آل البيت.
۱۰. حکیم، محسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک عروة الوثقی. قم: دار التفسیر.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۶ش). معجم رجال الحديث. تهران: امیرکبیر.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الامام الخوئی. قم: إحياء آثار الإمام الخوئی ره.

۱۴. خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). معتمد عروة الوثقی. بی جا: بی نا.
۱۵. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). احکام القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. روشن، محمد. (۱۳۹۳). حقوق خانواده. تهران: جنگل.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۸. زین الدین، محمد امین. (۱۴۱۳ق). کلمة التقوی. قم: انتشارات سید جواد وداعی.
۱۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۱۹ق). إرشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام. قم: دفتر آیت الله سبزواری.
۲۱. شاهرودی، سید محمود. (بی تا). کتاب الحج. قم: انتشارات مؤسسه انصاریان.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۸ق). اللمعة الدمشقیة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۸ق). روضة البهیة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. صافی، محمود بن عبدالرحیم. (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن. بیروت: دار الرشید.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المیسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عراقی، ضیاء الدین. (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمین. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ق). خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال. قم: فقاہت.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ق). کتاب الحج. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). تعلیقات علی العروة الوثقی. قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۶ق). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۶. مرتضوی، سید حسن. (۱۳۸۷). درس خارج فقه. [نام نشریه/منبع نامشخص]، [دوره (شماره نامشخص)]، نشانی اینترنتی: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/mortazavi/feqh/87/871115>
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). استفتائات. دفتر معظم له، نشانی اینترنتی: <https://www.makarems Shirazi.net/main.aspx?typeinfo=214677>
۴۰. موسوی عاملی، محمدعلی. (۱۴۱۱ق). مدارک الاحکام. بیروت: انتشارات آل البيت (ع).
۴۱. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد. (بی تا). ذخیره المعاد فی شرح الارشاد. بی جا: بی نا.
۴۲. نجفی، محمدحسن. (بی تا). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۸). مستند الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۴. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: انتشارات آل البيت.
۴۵. یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۰۹ق). عروة الوثقی. بیروت: انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۶. یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۹ق). عروة الوثقی محشی. قم: انتشارات جامعه مدرسين.

